نقش زنان در بيداري اسلامي

نقش زنان در بيداري اسلامي

سيده منور شايسته خوي

بيداري اسلامي پديده‌اي عظيم و دو مرحله‌اي است كه در مرحله‌ي نخست در پي استيلاي استعمار غرب و شرق بر كشورهاي مسلمان از نيمه‌ي دوم قرن بيستم با هدف بازگشت به اسلام و فرهنگ آن آغاز گشت؛ امّا اين مرحله با حاكميت مزدوران و دست‌نشانده‌هاي استعمار، سركوب شد و مرحله‌ي دوم از انقلاب اسلامي ايران به رهبري امام خميني آغاز گشت و هم‌زمان با استقرار نظام حكومتي اسلامي در ايران، انقلاب‌ها و جنبش‌هاي اسلامي در ساير كشورهاي اسلامي چون كشورهاي حاشيه‌ي خليج فارس، پاكستان، افغانستان و كشورهاي شمال آفريقا رخ داد امّا متأسّفانه با تحريک استعمارگران و به دست حاكمان مزدور و مستبد سركوب گرديد و حاكمان به ستمگري خود ادامه دادند و جمهوري اسلامي ايران تحت فشارها، مشكلات عديده‌ي سياسي، اقتصادي و ... از سوي بيگانگان قرار گرفت. امّا خوش‌بختانه با رهبري با كفايت بنيان‌گذار آن امام خميني و پس از آن امام خامنه‌اي در مقابله با استعمار و پياده كردن قوانين و احكام اسلام ناب محمّدي ادامه يافت و توانمندي اسلام را در اداره‌ي عزّتمند جوامع اسلامي، بلكه بشري، هم پاي پيشرفت‌هاي علم و فن‌آوري ثابت كرد.

اين شكوفايي از يک سو و گسترش استبداد و ظلم حاكمان مستبد كشورهاي اسلامي از سوي ديگر، باعث آغاز

مرحله‌ي دوم بيداري اسلامي در خاورميانه گشت و چنان كه شاهديم، مزدوران استعمار علي‌رغم حمايت‌هاي اربابان غربي خود، يكي پس از ديگري به دست مردم خود به جهنّم روانه مي‌شوند. صدام حسين، حسني مبارک، معمّر قذّافي و ...

آن‌چه كه در اين بيداري در پيروي از علماي اسلام ديده‌ها را به سوي خود جلب كرده، حضور گسترده‌ي زنان مسلمان با حجاب برتر اسلامي، در تظاهرات اعتراض آميز است كه شعارهاي اسلامي سر مي‌دهند و چون مردان مبارز، زنداني يا شهيد مي‌گردند.

مشاركت سياسي و اجتماعي زنان مسلمان تازگي ندارد و به تقليد از زنان غربي و بر مباني ليبراليستي صورت نمي‌گيرد، بلكه پيشينه‌اي به قدمت ظهور اسلام داشته و با پيروي از الگوهاي زنان مبارز مسلمان و بر مباني اعتقادي دين مبين اسلام بوده و از معارف ناب كتاب آسماني جاودان آن، قرآن كريم و سنّت نبي اكرم (صلّي ا‌ عليه و آله) و اهل بيت (عليهم السّلام) تغذيه مي‌گردد.

احساس مسئوليت زن مسلمان نسبت به اوضاع جامعه و ايفاي نقش در اصلاح آن برخاسته از نگرش قرآن كريم به جايگاه زن است.

جايگاه زن در قرآن كريم

الف-همساني با مرد

1-در آفرينش: از منظر قرآن، زن در آفرينش از نفس واحده خلق شده: «يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها»(نساء/1) پس همتاي مرد است و اين همتايي در نحوه‌ي تأثيرگذاري بر جامعه، وحدت شرايط را نيز مي‌طلبد كه در آيه‌ي 35 سوره‌ي احزاب به آن اشاره شده است: « إِنَّ الْمُسْلِمينَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْقانِتينَ وَ الْقانِتاتِ وَ الصَّادِقينَ وَ الصَّادِقاتِ وَ الصَّابِرينَ وَ الصَّابِراتِ وَ الْخاشِعينَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقينَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ وَ الصَّائِمينَ وَ الصَّائِماتِ وَ الْحافِظينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الذَّاكِرينَ اللَّهَ كَثيراً وَ الذَّاكِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظيما» (احزاب/35).

2-در شرايط تأثيرگذاري: در اين آيه مباني و شرايط تأثيرگذاري مطلوب براي مرد و زن به طور يكسان بيان شده است: تسليم احكام خدا بودن، ايمان به خدا، عبادت او، راستي در گفتار و كردار، صبر و مقاومت در سختي‌ها، خداترسي، مشاركت اقتصادي در رسيدگي به نيازمندان و عمران جامعه، روزه‌داري و احساس هم‌دردي با فقرا، عفّت و پاك دامني و ياد و احساس پايدار و پيوسته‌ي حضور خدا.

جالب است كه اين آيه در پاسخ به توقّع اسماء بنت عميس از تمجيد زنان در قرآن، نازل شد: ابو علي فضل بن حسن طبرسي در تفسير مجمع البيان نقل كرده است كه مقاتل بن حيان گفت: «وقتي اسماء بنت عميس به همراه شوهرش جعفربن ابيطالب از حبشه بازگشت، نزد زنان رسول خدا رفت و پرسيد: آيا درباره‌ي ما زنان آيه‌اي از قرآن نازل شده است؟ گفتند: نه. اسماء نزد رسول خدا (صلّي ا عليه و اله) رفت و با آهنگ انتقادآميز گفت: اي رسول خدا! زنان باخته‌و ضرر كرده‌اند. پيامبر (صلّي ا عليه و اله) فرمود: چرا؟ عرض كرد: زيرا مانند مردان تمجيد نشده‌اند». اين‌جا بود كه خداوند اين آيه را نازل كرد (فضل طبرسي،560/8).

3-در لزوم اصلاح جامعه: از ديگر شرايط همسان زن و مرد همكاري در سازندگي جامعه از طريق فريضه‌ي امر به معروف و نهي از منكر است كه بر دوش هر دو جنس نهاده شده و از شاخصه‌هاي ايماني آنان به شمار آمده است: «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»(توبه/71).

اين فريضه عامل سازنده‌ي افراد جامعه و بزرگترين قيام ها و تحوّلات سياسي و اجتماعي در طول تاريخ اسلام بوده است. به موجب اين فريضه، زن موظّف است كه نقش تربيت و اصلاح جامعه را داشته باشد.

ب-محور تربيت

اصولاً از نگاه قرآن زن نقش محوري را در تربيت افراد خانواده و در نتيجه جامعه دارد. اگر خداوند قوام اجتماعي و اقتصادي جامعه را بر عهده‌ي مرد نهاده است، قوام تربيتي آن را بر دوش زن گذاشته زيرا زن كانون عاطفه در عالم هستي است.

قرآن كريم از زناني نام مي‌برد كه در جايگاه محوري مهندسي ايماني و اخلاقي جامعه‌ي بشري قرار گرفته‌اند: « وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً لِلَّذينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لي عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّني مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ

نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمينَ .وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتي أَحْصَنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنا فيهِ مِنْ رُوحِنا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِماتِ رَبِّها وَ كُتُبِهِ وَ كانَتْ مِنَ الْقانِتين» (تحريم/11-12).

ج- توانمندي در مديريت كلان سياسي

زن از توانمندي اداره‌ي سياسي جوامع بزرگ و كشورداري نيز برخوردار است. قرآن كريم براي نمونه از بلقيس ملكه‌ي سبا نام مي‌برد كه با ايمان خود به سليمان نبي، نمونه‌ي مديريت سياسي برتر گشت. زني كه به جاي مقابله با رهبر الهي با اقدام و تصيميم صحيح به او ايمان آورد و خود و كشورش را از هلاك دنيوي و اخروي نجات داد (نمل/19-44).

-زن در سيره‌ي بزرگان صدر اسلام

نقش كليدي زن در زمينه‌هاي تربيتي، عاطفي، حراست از فضاي سياسي و اجتماعي در سيره‌ي زنان بزرگ صدر اسلام كاملاً مشهود است. براي نمونه مي‌توان از حضرت خديجه(عليهاالسّلام) همسر نبي اكرم (صلّي ا‌ عليه و اله) نام برد.

ام‌ّ ا‌لمؤمنين خديجه با حمايت‌هاي مالي، عاطفي، سياسي و از همه مهم‌تر ايماني از پيامبر اكرم (صلّي ا‌ عليه و اله) كلنگ جامعه اسلامي را در حجاز زد و با تولّد فاطمه (عليهاالسّلام) ادامه‌ي دودمان پاك و راه نبي مكّرم اسلام (صلّي ا‌ عليه و اله) را تضمين كرد. زني كه سوره‌ي ضحي در شأن او نازل شد «و وجدك عائلاً فأغني»(ضحي/7) و خدا با ثروت خديجه، پيامبر اكرم (صلّي ا‌ عليه و اله) را براي كمك به نيازمندان و پيشبرد اسلام بي‌نياز كرد (مغنيه، ج7، ص579).

فاطمه (عليهاالسّلام) كه از نظر عاطفي چون مادري مهربان به مراقبت و حمايت رسول خدا (صلّي ا‌ عليه و اله) همّت گماشت و مفتخر به كنيه‌ي "امّ ابيها" از سوي حضرت ختمي مرتبت شد. زني كه در كنار رادمرد جهان علي بن ابي‌طالب (عليه‌السّلام) تا حد ايثار ديگران حتّي اسير كافر، بر خود پيش رفت و

سوره‌ي دهر در شأن او و خانواده‌اش نازل شد: «وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى‌ حُبِّهِ مِسْكيناً وَ يَتيماً وَ أَسيراً...».(انسان/8)

فاطمه (عليهاالسّلام) به اعتقاد همه‌ي فرق مسلمين برترين زن عالم است كه روايات متواتر نبوي بر سيادت او در دنيا و آخرت دلالت دارد و آخرين سخن و مژده‌ي پيامبر اكرم (صلّي ا عليه و اله) به او همين مقام بود: «يا فاطمه، أنت سيده نساء العالمين من الاوّلين و الآخرين» (محمدباقر مجلسي، ج37، ص68).

زنان صحابي بسياري نيز در تحكيم جامعه‌ي صدر اسلام نقش هاي مهمي ايفا كردند چون: سميه نخستين شهيده‌ي اسلام، نسيبه، اسماء، امّ سلمه كه در عقل و فرزانگي زبانزد عموم مسلمانان است، فضّه، امّ ايمن، جويره، صفيه دختر عبدالمطلب، جرهمه و ...(ر.ك: اعلام النّساء المؤمنات).

-نماد بيدارگري

1- پيشگيري از انحراف سياسي جامعه‌ي مسلمين

فاطمه سرور زنان جهان(عليهاالسّلام) نخستين كسي بود كه اقدام به حراست از سياست عدالت گستر اسلام كرد و ماندگارترين نقش سياسي خود را با خطبه‌ي فدك ايفا كرد، چندين تن از راويان و مورّخان مسلمان از جمله سيدمرتضي اين خطبه را با سندي از عايشه نقل كرده است. فاطمه (عليهاالسّلام) پس از غصب فدك نه تنها به منظور بازستاندن حقّ خود بلكه با هدف دفاع از خط مشي سياسي اسلام و پيشگيري از انحراف سياسي جامعه‌ي مسلمين و بيان مباني اعتقادي و توحيدي نظام سياسي اسلام، به ايراد خطبه پرداخت و در عين محجوبيت و وقار در مسجد و در جمع زنان و مردان صحابه حضور يافت و با نصب حجابي ميان خود و مردان، خطبه‌اش را با بيان اصول اعتقادي اسلام: توحيد، نبوت و امامت آغاز كرد. سپس به بيان فلسفه‌ي احكام و اخلاق پرداخت، در ادامه اشاره‌اي به تاريخ اسلام نوپا و نقش علي (عليه‌السّلام) در دفاع از آن كرد، آن‌گاه با سخنان غرّايي به بيداري مسلمانان و انتقاد از سكوت آنان در برابر انحرافات پيش آمده اقدام و توابع اين سكوت را پيش بيني كرد (ابن ابي الحديد، ج4، ص93 به بعد؛ احمد طبرسي، ج1، صص131-149؛ مسعودي، ج2؛ ابن طيفور، ص23 و ...).

فاطمه (عليهاالسّلام) و علي (عليه‌السّلام) با تربيت حسين و زينب (عليهاالسّلام) بر اساس آموزه‌هاي قرآن و سنّت نبوي، رادمردان و شيرزنان تاريخ‌سازي را به جامعه‌ي بشريت تقديم كرد.

اين حسين(عليه‌السّلام) فرزند فاطمه (عليهاالسّلام) بود كه با قيام عاشورا درس آزادگي به جامعه‌ي بشريت داد و با شهادت خود دين محمد (صلّي ا عليه و اله) را زنده و پايدار نگاه داشت: «إن كان دين محمد لم يستقم إلا بقتلي فياسيوف خذيني»(ر.ك: كلمات الحسين) و زينب (عليهاالسّلام) پس از شهادت برادر مظلومش پيام رسان اين بيداري بود.

قيام هاي علويان و فاطميان در طول تاريخ اسلام همه الهام گرفته از شجاعت و بيداري مادرشان فاطمه سرور زنان جهان بوده است (ر.ك: مقاتل الطالبين).

حيات فاطمه (عليهاالسّلام) بيان‌گر نقش زن در تربيت نسلي آگاه، مبارز و مقاوم در جهت برقراري نظام جهاني و عدالت گستر اسلام است و قيام منجي عالم بشريت مهدي موعود(عجل ا فرجه الشريف) با تأسي به آن بزرگ زن جهان اسلام است: «في إبنة رسول ا لي أسوة» (طوسي،ص286).

2- شناساندن امامت و رهبري

زن صحابي طويل‌العمري كه در حراست از امامت و رهبري بر حقّ جامعه اسلامي نقش بارزي داشت حبابه والبيه بود. وي همواره جوياي امام معصوم و بر حق بود و در اين هدف همواره موفّق ماند تا اين كه در زمان امام رضا (عليه‌السّلام) با معرفت به حضرت از دنيا رفت و حضرت با لباس خود او را كفن كرد (محمد حسون، ص292).

بديهي است كه حبابه گوهر معرفت خود را از طالبان حق دريغ نمي كرد و در شناساندن رهبر شايسته به جامعه كوشش مي‌نمود.

3- مبارزه با استعمار

روند بيدارگري زنان مسلمان در طول تاريخ پرفراز و نشيب اسلام ادامه يافت تا به دوران استعمار غرب رسيد. در اين زمان نيز تاريخ اسلام شاهد زنان مبارزي بود كه محرّك مردان در مبارزه با استعمارگران بودند. براي مثال مي‌توان از زنان ايران، عراق، ليبي، الجزاير، اندونزي و ... نام برد.

اين خاطره در اذهان مردم عراق ثبت است که در دوره‌ي نخست مبارزه با اشغالگران انگليسي، مردان از مبارزه خسته و ناميد شدند، و فرنگيان به طغيان و سلطه‌ي خود ادامه مي‌دادند؛ جمعي از زنان در مجلس مردان حاضر شده و با اشعار حماسي غيرت ديني آنان را تحريک کردند:

شال هاي ما را بگيريد و چفيه هايتان را بدهيد آيا نمي‌بينيد که فرنگيان با ما چه کردند؟!

موضع زنان ايران حتّي در دربار شاه قاجار در حمايت از فتواي تاريخي ميرزاي شيرازي و تحريم تنباکو در مخالفت با قرارداد ننگين رژي که سيطره‌ي اقتصادي استعمار را موجب مي‌شد(مراد علي توانا، ص110) و نيز قيام و تحصّن زنان در مسجد گوهرشاد مشهد در مخالفت با کشف حجاب که جمعي از آنان در اين واقعه به شهادت رسيدند(ر.ک: رسول جعفريان).

زنان مسلمان ايران هم پاي مردان و با اطاعت از ولايت فقيه در همه‌ي ميدان‌هاي فرهنگي و مبارزاتي و سازندگي به فعاليت خود ادامه دادند تا به تشکيل نظام اسلامي به رهبري امام خميني نايل گرديدند و برترين الگو براي زنان مسلمان عصر حاضر شدند، البتّه استقامت شرط تداوم اين افتخار و عزّت است.

درليبي حضور چشمگير زنان در حمايت از عمر مختار و مبارزه با استعمارگري ايتاليا از افتخارات تاريخي اين کشور است (ر.ک: تاريخ ليبي).

در اندونزي نيز زنان مسلمان حضور چشمگيري در نهضت‌هاي فرهنگي و اجتماعي کشورشان داشتند. و با کمک مردان و پيروي از رهبران مذهبي اصلاح طلبي چون: شيخ احمد خطيب، شيخ محمد طاهر جلال الدين، شيخ محمد جميل جمبک، حاجي عبدالکريم امر ا (حاجي رسول) و حاجي عبدا احمد و ... به مبارزه با استعمارگران هلندي و احياي تفکر اسلامي پرداختند (دليار نوئر، ص46-54).

و در مصر ، در يمن، در بحرين... .

4ـ تأسيس جمعيت‌ها و تشکّل‌هاي زنان

تشكيل جمعيت‌ها و اتحاديه‌، احزاب و سازمان‌هاي اسلامي زنان در كشورهاي اسلامي نمادي ديگر از فعاليت بيدارسازي آنان است ؛ گرچه از نظر ساختار پديده‌اي جديد به شمار مي‌آيد اما از نظر نهادي به قدمت تاريخ اسلام است. جلسات مذهبي خانگي، مكتب خانه‌ها، مجالس حزن و سرور ياد نبي اكرم (صلّي ا‌ عليه و اله) و اهل بيت او (عليهم‌السّلام) در واقع مراكز تجمع همراه با انسي براي زنان بودند كه در مكتب سياسي شيعه نمود بيشتري دارد. مادران شيعه تنها در اين مجالس به ويژه سوگواري سالار شهيدان ابي عبدا‌ الحسين (عليه‌السّلام)، فاطميه و ... توانسته‌اند درس مبارزه و شهامت را به پسرانشان بدهند و بزرگ مرداني چون امام خميني (رحمه‌ا‌ عليه) را به جامعه اسلامي حاضر تقديم كنند.

تشكّل‌ها با ساختار جديد در ايران و در ساير كشورها نيز مشهود است از جمله عراق، حجاز و نجد، بحرين، يمن، اندونزي و ... براي مثال سازمان اسلامي فاطيما در اندونزي، ياياسن، با هدف گسترش تعاليم اهل بيت (عليهم‌السّلام) در ميان امّت اسلامي تأسيس شد و توسط دانشجويان رهبري مي‌شود و تاكنون آثار فرهنگي‌اي چون: شرح ادعيه‌ي اهل بيت (ع)، ارائه خدمات آموزشي، كتابخانه‌اي و .... در اين خصوص ارائه كرده است (زهرا پيشگاهي‌فر، ص273).

سازمان نهضت زنان مسلمان در ايران و پيش از انقلاب اسلامي،بنات الهدي در عراق و...

5ـ مشاركت در تظاهرات عليه استبداد داخلي

همان طور كه در مقدّمه بيان شد استعمار غرب با جانشين كردن مزدوران داخلي خود و ترويج فرهنگ ملي‌گرايي و پان عربيسم به تحكيم حكومت نامشروع و مستبدانه آنان پرداخت و چندين دهه به واسطه‌ي آنان به حاكميت خود بر كشورهاي‌اسلامي ادامه داد. و با تحميل خواسته‌هاي استكبار جويانه خود چون كاپيتولاسيون، سلطه‌ي اقتصادي، تهاجم فرهنگي، و.... تلاش در تحقير و استثمار ملّت‌هاي مسلمان كرد. اين جا بود كه علماي اسلام بار ديگر به اعتراض و قيام اقدام كردند و زنان دوشادوش مردان در اين قيام‌ها مشاركت جستند.

اين بار استكبار جهاني، با شگرد جديد جهاني سازي، نظم نوين جهاني، دهكده‌ي جهاني و ... از طريق تحميل كنوانسيون‌هاي بين‌المللي چون حقوق‌بشر، حقوق كودك، رفع تبعيض از زنان و ... به جنگ نرم ضدّ فرهنگ اسلامي و در مواردي جنگ سخت و اشغالگري مجدّد كشورهاي مسلمان پرداخت. اين عمل‌كردهاي

شيطاني باعث فاصله‌گرفتن جوامع مسلمان از فرهنگ اصيل اسلامي، رواج تبعيض و فساد، فقر روزافزون و مشكلات بي‌شمار ديگري شد.

ملّت‌هاي تحت سلطه تنها راه نجات را بازگشت به اسلام ناب ديده‌اند و اين ادّعا از شعارها، خواسته‌ها، شكل حضور سراسري و ...آن‌ها پيداست.

براي نمونه كلام صريح چند تن از اين زنان را نقل مي‌كنيم:

غاده الغربي از مبارزان تونس درباره‌ي هدف از قيام گفت: «قيام أخير ما نتيجه‌ي ستم‌هايي است كه حكّام سابق تونس به ملّت روا مي‌داشتند... دين اسلام به نحو احسن زن را تكريم كرد امّا انسان از تعاليم ديني خارج شد و در نتيجه‌ي اين خروج، ما وارد صحنه‌ي سياسي و اجتماعي شديم تا نقش واقعي زن را نشان دهيم»(com.bornanews.www)

آيات القرمزي زن بيست ساله بحريني با اشعار حماسي خود ضد آل خليفه نه تنها زنان بلكه مردان را به مبارزه دعوت كرد: «ما مردماني هستيم كه ذلّت و بدبختي را از بين خواهيم برد و ...» (همان).

هر كسي كه اندک آشنايي با الفباي فرهنگ اسلامي داشته باشد در مي‌يابد كه اين مطالبات همان اهداف پيامبران الهي در رسالت الهي‌شان براي جوامع بشري است. قرآن مي‌فرمايد: « لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»(حديد/25) و در آيه‌ي ديگر مي‌فرمايند: « ...وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنين...» (منافقون/8) و نيز مي‌فرمايد: « وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَني آدَمَ و...»(اسرا/70) و آيات بسيار ديگر.

البتّه اين مشاركت به بهاي جان و حيثيت زنان تمام شده زيرا بسياري از زنان در كشورهاي در حال جنبش زنداني، شهيد و در مواردي مورد هتک حرمت قرار گرفته‌اند كه روزنامه‌ها و سايت‌هاي خبري مملو از گزارش چنين حوادثي است.

6ـ ايفاي نقش تربيتي

مهمترين نقشي كه زنان مسلمان در بيدارگري داشته‌اند نقش تربيتي در دو حوزه‌ي ذيل بوده است:

1.ارائه‌ي الگويي مهذّب و آگاه از خود به عنوان زن كامل مسلمان و انساني مبارز و آزاد؛

2.تربيت فرزندان پاک، آگاه، مبارز و تشويق همسران به مبارزه.

امام خميني (رحمه‌ا‌ الله عليه) درباره‌ي نقش اوّل فرمودند: «زن با تربيت صحيح خودش انسان درست مي‌كند و با تربيت صحيح خودش كشور را آباد مي‌كند»(صحيفه‌ي نور، ج8، ص162).

ايشان بر الگو بودن زنان ايران حتّي براي مردان در مبارزه بارها تأكيد ‌فرمودند: «شما بانوان اثبات كرديد كه مقدّم بر مردها هستيد، مردها از شما الهام گرفتند» (همان، ج5، ص177).

و درباره‌ي نقش دوّم ،كه نقش انسان سازي است، آن را هم طراز قرآن مي‌دانند: «زن ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ مي‌كنند. قرآن كريم انسان ساز است و زن ها نيز انسان ساز، وظيفه‌ي زن‌ها انسان سازي است.» (همان، ج11، ص253) ايشان در ادامه، انزواي زنان انسان ساز را عامل انحطاط ملّت ها دانسته‌اند (ر.ک: همان).

در انقلاب‌هاي فعلي در منطقه شاهديم كه بيداري بحريني‌ها، مردم قطيف و احساء با حضور زنان آغاز شد.

بحمدا‌ زن ايراني در حال حاضر در دو حوزه‌ي خودسازي و جامعه‌پروري الگوي زنان مسلمان منطقه بلكه جهان واقع شده است. مقام معظّم رهبر جمهوري اسلامي ايران حضرت آيت ا‌ خامنه‌اي از سال 1363، يعني27سال پيش، اين حوادث و نقش را پيش بيني كرده و در جمع خانم‌هاي ايراني فرموده بودند: «حركتي را كه زن ايراني شروع كرده است از دست ندهيد. اين حركت براي دنيا يک پيام جديدي دارد و ولايت جديدي است و مشخّصه‌هاي آن احساس شخصيت زن است و اين اوست كه گردآورنده‌ي تاريخ است و مي‌تواند در جامعه نقش تعيين كننده داشته باشد». (چهارسال با مردم، ص394).

هم‌چنين زنان ‌توانسته‌اند با ايفاي نقش‌هاي سياسي، تبليغي، علمي و ... در بيدارسازي مشاركت جويد كه بيان آن‌ها نياز به فرصت بيشتري دارد.

نكته اي مهم در بيداري!

تأكيد بر مباني اعتقادي و روش‌هاي اسلامي

توجّه به اين مسأله‌ مهم است كه نقش ها وسيله‌اند، نه هدف. زيرا چنان كه بيان شد هدف از بيدارسازي، حاكميت فرهنگ و نظام سياسي اسلام بر جوامع مسلمان است و زنان با توجّه به اين هدف و بر مبناي روش‌هاي اسلامي بايد نقش خود را ايفا كنند، نه آن كه صرفاً در پي احقاق حقوق سياسي، اجتماعي و فرهنگي بوده و با ترويج فرهنگ غرب و تأييد حاكمان مستبد و تبليغ مكاتب الحادي ، بيشتر تيشه به ريشه‌ي اسلام زنند؛ چنان كه متأسّفانه شاهد چنين زناني بوده و هستيم، امّا به دليل عواقب منفي، از ذكر نامشان خودداري مي‌كنيم. با اين اميد كه از حضور اسلامي زنان منطقه درس گرفته و فعّاليت‌هاي خود را سمت و سوي اسلامي دهند.

در پايان به مباني اعتقادي و روش‌هاي اسلامي بيدارسازي اشاره مي‌كنم:

مباني اعتقادي و روش‌هاي بيداري اسلامي

الف) مباني اعتقادي

1.توحيد: اعتقاد به وجود خدا با همه‌ي صفات جلال و جمالش از جمله حاكميت، ربوبيت، عدالت و ... كه از اصول مسلّم اسلام است و هر نوع خلل يا شبهه در اين اعتقاد يا ايجاد هم‌سازي ميان اين عقيده و مباني اومانيسمي شرک و كفر به شمار مي‌آيد.

بر اين اساس در بيداري اسلامي نبايد از اهداف و به ويژه مادّه‌ي كنوانسيون حقوق بشر كه آزادي عقيده را به رسميت شناخته و هر عقيده اي را محترم مي‌شمارد، حمايت كرد.

2.نبوّت: اعتقاد به هدايت آسماني و نياز جاودان انسان‌ها به اين هدايت و به انسان‌هاي كاملي كه پيام آور آن هستند و اعتقاد به برترين و آخرين پيام آور، حضرت محمّد بن عبدا (ص) و كاملترين پيام يعني قرآن، اصلي است كه هرگونه ملاحظه كاري و انكار يا آميختن آموزه‌هاي وحياني با قوانين الحادي (گرچه بين المللي) برخلاف بيداري اسلامي است.

3.امامت: اعتقاد به رهبري ديني و نياز جامعهي اسلامي، بلكه بشري به رهبري كه از سوي خدا تعيين شده و واسطهي فيض رحمت و نعمت اوست اصل ديگري است. اين رهبر، انسان كاملي است كه از همه شرايط رهبري صحيح: علم، توانمندي، شجاعت، عدالت، پاكي، تقوا و آگاهي از زمان و ... برخوردار است. بنابراين گزينش رهبري كه فاقد حتّي يک شرط از آن شروط باشد، نه تنها موجب بيداري نيست، بلكه حاكم كردن امام گمراهي است كه احياگر استعمار، استبداد و ستم بوده و خود و ملّت ها را راهي دوزخ ابدي ميسازد.

4.معاد: اعتقاد به حيات مجدّد انسانها پس از مرگ و بازخواست و محاسبهي اخروي تک تک افراد انساني در دادگاه عدل الهي از مسلّمات اصول اسلامي است و همهي تلاشهاي انسانها بايد در جهت نيل به سعادت اخروي برنامهريزي گردد. بنابراين تفكيک حيات دنيوي از اخروي و برنامهريزي و سياستگذاريها براي اين دنياي فاني بدون توجه به آخرت برخلاف بيداري اسلامي است.

ب) روش ها

اصول اعتقادي، روش هاي بيداري اسلامي را روشن ميكند. زنان و مردان بر اساس موازين اسلامي (حجاب، عفت، شعارهاي اسلامي و ...) حضور يابند، از علماي پرهيزگار اسلام به ويژه ولي فقيه عادل، عالم و شجاع و .. فرمانبرداري كنند. از تفرقه و تعصّبات قومي، قبيلهاي، حزبي و .. اجتناب كنند و در نجات جوامع يكديگر از استبداد، ياور هم باشند؛ چرا كه قرآن ميفرمايد: « وَ ما لَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فيِ سَبيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذينَ يَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصيرا» (سوره نساء، آيه75). «شما را چه شده كه در راه خدا نميجنگيد، در حالي كه مردان و زنان و كودكان ناتوان و تحت ستم هماناني كه ميگويند: پروردگارا، ما را از اين شهركي كه مردمش ستمگرند بيرون ببر و از نزد خودت سرپرستي برايمان قرار داده و از نزد خودت ياوري برايمان بگذار».

منابع

*قرآن كريم

*سيد رضي، نهج البلاغه، شرح ابن ابي الحديد.

www. bornanews.com

ابن عساكر، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دارالفكر، 1415ق.

ابوالفرج اصفهاني،مقاتل الطالبيين، ترجمه محمد جواد فاضل، قم، علمي، 1339ق.

احمد بن ابي طاهر بن طيفور، بلاغاتالنساء، قم، شريف رضي، بيتا.

احمد طبرسي، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضي، 1403ق.

امام خميني، صحيفهي نور

انصاري، كلمات الحسين (ع)، قم.

پيشگاهي فرد، زهرا، جغرافياي مجامع زنان در جهان اسلام، روابط عمومي شوراي فرهنگي ـ اجتماعي زنان، تهران 1384ش.

تاريخ ليبي، وزارت امور خارجه.

حزب جمهوري اسلامي، چهار سال با مردم، تهران، چ1، 1364ش.

حسين بن مسعودي، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاينده، انتشارات علمي فرهنگي، تهران، 1374ش.

دليار نوئر، نهضت هاي نوين اسلامي در اندونزي، ترجمهي ايرج رزاقي، محمدمهدي حيدرپور، به نشر، مشهد، 1370ش.

سيد مرتضي، الشافي.

شيخ طوسي،الغيبه، قم، مؤسسهي معارف اسلامي، 1411ق.

فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، بيروت، دارالمعرفه، 1408ق.

مؤسّسهي تنظيم و نشر آثار امام خميني جايگاه زن در انديشه امام خميني، تهران، 1375.

محمد حسون، ام علي مشكور، اعلام نساء المؤمنات، انتشارات بنياد بعثت، تهران، 1370.

محمدباقر مجلسي، بحارالانوار،بيروت، مؤسسهي الوفاء، 1404ق.

محمدقطب، بيداري اسلامي، ترجمه صباح زنگنه، انتشارات اطّلاعات، تهران، 1374ش.

مراد علي توانا، زنان شيعه در عصر قاجاريه فصل نامهي بانوان شيعه، ش6 و 7 ، ايران، زمستان 1374و بهار 1385ش.

مغنيه، محمد جواد، التفسيرالكاشف، قم، دارالكتابالاسلامي، 1428ق.